

عنوان مقاله:

رابطه بی تفاوتی اجتماعی با جرایم علیه اموال و مالکیت (در شهر تهران)

محل انتشار:

دومین کنفرانس بین المللی مطالعات حقوقی و قضایی (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 19

نویسندگان:

مریم ساسانپور - کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی وکیل پایه یک دادگستری

محسن رحمانی تبار

خلاصه مقاله:

مکتب فشار اجتماعی یکی از شاخه های رویکردهای اجتماعی جرم شناسی متشکل از نظریه های مربوط به احساس فشار است. به چند پاره شدن جامعه و عدم وابستگی شخص به جامعه، آنومی می گویند. و امیل دورکهایم صاحب نظریه آنومی می باشد. این مهم که جامعه حال حاضر ایران جامعه ای بحران زده است امری غیر قابل کتمان بوده و همین موضوع موجب جلب توجه به سوی نظریه های مکتب فشار اجتماعی علی الخصوص نظریه آنومی دورکهایم و نظریه پردازان الهام گرفته از وی می گردد. از ترکیب نظریات دورکهایم و مرتن این نتیجه حاصل می گردد که وقتی جامعه بحران زده دچار بی تفاوتی هنجاری می گردد آنومی پدید می آید و در نتیجه آن برخی از افراد ممکن است برای دستیابی به اهداف خود به ابزارهای غیر قانونی روی آورند که حاصل آن بالا رفتن آمار جرم در جامعه است. جامعه آماری این پژوهش مددکاری زندان ری و قرچک می باشد. 52 درصد جمعیت این زندان مرتکبین جرایم علیه اموال و مالکیت می باشند. در جامعه ایرانی شرایط اقتصادی نامطلوب عامه مردم و عدم دسترسی اغلب مردم به ابزارهای قانونی کسب اهداف و حتی شرایط کمبود ابزارهای شایسته، سبب رشد روز افزون جرایم مالی در سطح جامعه گردیده است. هر اندازه شرایط اقتصادی رو به وخامت می گذارد به همان میزان آمار وقوع جرایم مذکور افزایش می یابد، زیرا یکی از عوامل و انگیزه های اصلی در ارتکاب جرایم مالی دست یابی به شرایط مطلوب تر اقتصادی برای مرتکب است. در نهایت عوامل مختلفی مانند ترک تحصیل، طلاق والدین، طلاق، فرار از منزل، بیکاری، مجازات های بدون نتیجه و زندگی در محله های فقیر نشین و زاغه نشینی در ارتکاب بزه علیه اموال و مالکیت خصوصا سرقت تاثیر دارد. اگر فقر را تنها عامل بی تفاوتی اجتماعی ندانیم اما مهم ترین عامل در بزه های منتج به موضوع این پژوهش می باشد

کلمات کلیدی:

بی تفاوتی اجتماعی، جرایم علیه اموال و مالکیت، آنومی، بی هنجاری، فشار اجتماعی.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/996613>

